



چگونه توانستم با استفاده از روش های فعال تدریس وضعیت درس تعلیمات اجتماعی را در پایه چهارم ابتدایی بهبود بخشم؟

پژوهنده: معصومه ابراهیمی ز نوزاخ
دبستان شهید بهشتی، آموزش و پرورش ناحیه یک
سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی
خردادماه ۱۳۸۷

چکیده

با توجه به هدف کلی تعلیمات اجتماعی که می خواهد به دانش آموز کمک کند تا بتواند آموخته هایش را در زندگی فردی و اجتماعی به کار گیرد. برای من این مشکل بوجود آمد که هیچ یک از دانش آموزان نسبت به مفاهیم و فعالیت های پیشنهادی که نیاز به بحث و تبادل نظر داشت، مشارکت نمی کردند؟ حال سؤال اساسی من این بود، که « چگونه می توانم دانش آموزان را برای مشارکت در فرآیند یاددهی - یادگیری در کلاس های علوم اجتماعی آماده کنم؟ » جهت بررسی بیشتر و یافتن راه حل برای خودم، به جمع آوری اطلاعات از همکاران، مدیر، معاون و مشاور مدرسه و حتی برخی از اولیای دانش آموزان و خود دانش آموزان و منابع علمی پرداختم. با توجه به شواهد و داده های به دست آمده و نیز مطالعه روش های تدریس و منابع اطلاعاتی در این زمینه فرض اساسی به این شکل صورت گرفت:

« استفاده از روش های فعال و نوین تدریس باعث علاقمندی بیشتر دانش آموزان می شود. »

لذا در آن مورد اقدام کردم. اکثر شواهد موجود پس از اقدام نشانگر تغییر در جهت بهبودی روش تدریس و علاقمندی دانش آموزان به این درس شده بود. در کل نتایج به دست آمده به طور خلاصه عبارت اند از:

میزان علاقمندی دانش آموزان به تعلیمات اجتماعی بیشتر، میانگین نمره درس آنها تا حدودی رضایت بخش و مهارت های کلامی، اعتماد به نفس، حس مسئولیت پذیری، روحیه جستجوگری و تحقیق و تفحص، خودارزشیاب بودن، خودکنترلی، حس تعاون و مشارکت در دانش آموزان تقویت گردید که تحقیقات انجام گرفته در این مورد نیز آن را تأیید می کند.

مقدمه

رشد اجتماعی و به دست آوردن مهارت های گوناگون در زندگی اجتماعی در کنار دروس دیگر بیشتر به تعلیمات اجتماعی مربوطه می باشد. با توجه به اینکه هدف کلی کتاب های اجتماعی این است که به دانش آموز کمک کند تا بتواند آموخته های پیش را در زندگی فردی و اجتماعی به کار گیرد. برای من این مشکل به وجود آمد که هیچ یک از دانش آموزان نسبت به مفاهیم و فعالیت های پیشنهادی که نیاز به بحث و تبادل نظر داشت، مشارکت نمی کردند؟ حال سؤال اساسی من این بود، که چگونه می توانم دانش آموزان را برای مشارکت در فرآیند یاددهی - یادگیری در کلاس درس تعلیمات اجتماعی آماده کنم؟

در حین کار، سعی کردم نظرات همکاران، صاحب نظران و کارها و تجربیات قبلی آنان و خودم را مرور کنم تا بتوانم این مشکل را تا حد امکان از بین ببرم. ضمن مرور نظریات همکاران و بررسی کتب و نشریات در این مورد پادم افتاد، موقعی که معلم در کلاس درس، وقتی یک طرفه و مستقیم دروس را توضیح می داد و مطالب را از راه داد. من فقط بعضی از مطالب کلی دروس را یاد می گرفتم و وقتی خودم بیشتر مطالعه می کردم جزئیات را در تعامل با دیگر همکلاسان یاد می گرفتم،

وقتی مشکل داشتم، با همکلاسی هایم که بحث می کردم کاملاً مطالب را درک می کردم. که دیدم امروزه نظریات روان شناسی یادگیری شناختی و رفتاری نیز آن را تأیید می کند، بدین منظور تصمیم گرفتم از شیوه های فعال تدریس استفاده کنم و به صورت یک طرفه و یکنواخت تدریس نکنم.

بیان مسئله و توصیف وضع موجود:

در اولین روز که وارد مدرسه شدم با شوق و علاقه خاصی که به یادگیری - یاددهی داشتم، فکر می کردم که دانش آموزان هم به یادگیری - یاددهی علاقه نشان خواهند داد. وقتی وارد کلاس شدم و بعد از آشنایی مختصر و معرفی خودم و دروسی که تدریس خواهیم کرد، شروع کردم درس اول را از جغرافیا تدریس کنم؟ وقتی درس توضیح می دادم، دیدم که چندان اهمیتی نمی دهند و در میان توضیحات سعی می کردم با پرسش های حین تدریس آنها را بیشتر به مطالب نزدیک کنم، که دیدم کسی جواب نمی دهد، کسی مشارکت نمی کند. حال به این سؤال برخورد کردم که چرا با ما همکاری نمی کنید؟ چرا به این درس علاقه نشان نمی دهید؟ اگر من در روش تدریس اشکال دارم، شما هر پیشنهادی که می دهید، قبول می کنیم و حتی راه و روشی که کلاس بخواند ادامه می دهیم، دیدم که هیچ چیزی نگفتند؟

خواستم که یکی یکی نظرات شان را در این مورد بیان کنند؟ اکثراً به اتفاق گفتند: که شما به این کلاس نیاید و بگذارید همان معلم قبلی و پارسال ما بیاید، ما به روش های او عادت کرده ایم. شما به خودتان بیشتر زحمت ندهید.

حال این سؤالات به ذهنم خطور کرد؟

۱- چگونه می توانم با دانش آموزان بیشتر ارتباط برقرار کنم؟

۲- چگونه می توانم اینها را به مشارکت کردن در کلاس درس علاقمند کنم؟

۳- چرا این دانش آموزان به درس تعلیمات اجتماعی چندان اهمیت نمی دهند؟

۴- چگونه می توانم ذهنیت قبلی این دانش آموزان را نسبت به درس و معلم قبلی و روش های آن عوض کنم؟

حال جهت بررسی بیشتر و یافتن راه حل برای خودم، به جمع آوری اطلاعات از همکاران، مدیر، معاون، مشاور مدرسه و حتی برخی از اولیای دانش آموزان و خود دانش آموزان و منابع علمی پرداختم.

«انسان موجودی است اجتماعی و اعمال و رفتار او متأثر از آداب و رسوم و قوانین اجتماعی است. انسان بدون تعلق به گروه احساس امنیت نمی کند. در واقع گروه ها اجزای بنیادی زندگی اجتماعی ما را تشکیل می دهند. اما تنوع آنها موجب می شود نتوانیم آنها را به طور کامل درک



معاونت و مشاور مدرسه جلسه گذاشتم و خواستم نظراتشان را ابراز کنند و به من کمک کنند به اتفاق گفتند: این کلاس چندان با انضباطی نیست و زیاد هم علاقه ای به درس ندارند و مخصوصاً درس تعلیمات اجتماعی که برایشان چندان مهم نیست، اینها هم تأکید کردند که من سؤالات را بیشتر به آنها بگویم نه اینکه بیشتر توضیح دهم یا توضیح بخواهم.

بعد خواستم که از اولیا دعوت کنند تا نظراتشان را در حین مصاحبه با آنان - که به صورت آزاد انجام دادم - جویا شوم. در مصاحبه با آنان متوجه شدم، نگرشی که آنان به درس تعلیمات اجتماعی دارند، بدین شکل است. با سرگروه های سال قبل نیز ملاقات کردم و نظراتشان را جویا شدم. خلاصه رتقم پیش مخاطبان اصلی قضیه «دانش آموزان» نظراتشان را خواسته و در یک برگ در مورد عدم علاقه به این درس و نحوه تدریس بنده، نحوه برخورد و نمره دهی جویا شدم. از جمله داده‌ها و شواهدی که از طریق مصاحبه و مشاهده نمرات (بعد از مشاهده نمرات سال قبل دانش آموزان متوجه شدم که نمرات آنها در حد متوسط به پایین می باشد) و نظرسنجی به دست آوردم.

به تحقیقات انجام یافته در این مورد مراجعه کردم که از جمله نتایج تحقیق محمدرضا کیوانفر در سال ۸۰-۷۹ تحت عنوان «بررسی میزان تأثیر استفاده از روش های فعال تدریس در میزان موفقیت دانش آموزان در درس علوم تجربی» نشان می دهد که:

- بین موفقیت تحصیلی، دانستننی ها، مهارت (کلی، نظری و علمی) دانش آموزان که درس علوم تجربی خود را از طریق روش های فعال آموخته‌اند، در مقایسه با دانش آموزانی که با روش تدریس غیر فعال آموزش دیده‌اند، تفاوت وجود داشت. اما این تفاوت بین گروه‌ها در نمره نگرش دیده نشد.

- تأثیر روش های فعال تدریس در افزایش (موفقیت تحصیلی، نگرش و مهارت کلی) دانش آموزان در درس علوم تجربی با توجه به جنسیت تفاوت نداشت. اما در بخش دانش، مهارت

- یادگیری هر فرد منحصر به خود اوست و فرآیندی مستقل و متمایز است.

- توجه به خود مختاری شخصی در فرآیند یادگیری.

- توجه به عزت نفس، شأن و کرامت دانش آموز.
- به رسمیت شناختن قوه تخیل و نیروی سیال کنجکاوی.

- توجه به خلاقیت و نواندیشی به دور از قالب‌های تنگ ارزشیابی آموزشی.

- تولید و پردازش دانش در جنبه های اطلاعات، مفاهیم، مهارت ها، نگرش ها و ارزش ها به جای اندوزش و مصرف کننده دانش.

این شاخص ها به معنای ابداع راهبردها و دیدگاه هایی است که مشارکت فکری و عملی در دانش آموزان را تشویق و تثبیت می کند. هم چنین بستری برای ارایه تجربیات آموزشی است که علاقه ها و اشتیاق دانش آموزان را توسعه بخشیده و به آن تداوم می بخشد (کریمی، ۱۳۸۰، صص ۱۴۱-۱۴۰).

چگونه افراد مهارت های لازم در گروه را بهتر می آموزند؟

افراد زمانی در گروه به شناخت خود و دیگران موفق می شوند و مهارت های لازم را در گروه بهتر خواهند آموخت که شرایط زیر فراهم باشد:

- میل به صحبت کردن در باره خود داشته باشند.

- از بازخوردها استفاده کنند.

- محیط گرم و سالم و سازنده باشد.

- از دانش نظری کافی برخوردار باشند.

- بتوانند آموخته های خود را به عمل در آورند.

- آنها را تمرین کنند.

علاوه بر منابع نظری، جهت آگاهی بیشتر از معلم سال قبل خواستم که به من کمک کند و با دانش آموزان صحبت کند که معلم سال قبل ایشان گفتند: خودتان را زیاد خسته نکنید، من به آنها سفارش می کنم که بیشتر اذیت تان نکنند؟ شما فقط سؤالات را بگویید کافی است. اینها زیاد علاقه ای به درس خواندن ندارند. بعد با مدیر،

کنیم، زندگی ما در احاطه گروه‌ها می باشد».

گردآوری اطلاعات (شواهد):

ابتدا به منابع علمی مراجعه کردم که: ژرژ کرشن اشتاینر (۱۹۳۲-۱۸۵۴) آلمانی هدف آموزش پرورش را دستیابی به ارزش های شهروندی می دانست. وی معتقد بود که کودک براساس فرآیندی از رشد درونی بزرگ می شود و آنچه کسب می کند تا زمانی که با نوعی فعالیت شخصی جذب نشود، به طور واقعی جزء وجودش نمی شود. به گفته اشتاینر: اگر هدف غایی تعلیم و تربیت را شکل گیری شخصیت بدانیم، بهترین سازمان تربیتی آن خواهد بود که فرصت های لازم را برای رشد شخصیت فراهم کند. باید دانست که شخصیت تنها از راه عمل رشد می کند (صوفی، ۱۳۸۳، صص ۱۷-۱۶).

«نیل» مدعی بود که کودک به طور ذاتی عاقل و واقع بین است؛ اگر او به دور از هرگونه تلقین بزرگسالان به حال خود رها شود شکوفا خواهد شد. آنهایی که باید دانشجو شوند، دانشجو خواهند شد و آنهایی که فقط برای انجام کارهای فنی مناسب اند، به حرفه های تخصصی رو خواهند آورد. و آنهایی که ذوق هنری دارند به کارهای مخصوص خود و آنان که قابلیت های دیگری دارند در تحقق همان قابلیت ها می کوشند.»

در این مدرسه، اصل بر اعتماد به کودک و تقویت سازوکارهای خودگردانی و خودهبری در اوست. تا بتواند در پرتو فرصت های آزاد و فضای اعتماد و احترام قابلیت ها و استعداد های خود را شکوفا کند.

شاخص های یادگیری خودگردان

- یادگیری امری فاعلی، خودجوش و درون زا است.

- فرآیند یادگیری با مشارکت دانش آموزان و به تبع نیاز و طبیعت یادگیرندگان صورت می گیرد.

- در این دیدگاه پذیرش و محترم شمردن تنوع و تکثر استعدادها و تفاوت های فردی یک اصل مهم است.

- هرگونه فعالیت و اقدام تربیتی براساس اصل دانش آموز محوری صورت می گیرد.

نظری و مهارت علمی، بین جنسیت و گروه های آزمایش و گواه با توجه به کنترل نمرات پیش آزمون تفاوت معنی دار بود.

تجزیه و تحلیل داده ها:

پس از جمع بندی اطلاعات و داده ها متوجه تقاضاهای زیر شدم:

- عدم علاقمندی برخی از دانش آموزان به درس تعلیمات اجتماعی
- عدم آشنایی با روش های نوین تدریس (که کتاب ها بیشتر به شکل روش های نوین تدریس طراحی شده اند).
- عدم استفاده از بحث های گروهی.
- اهمیت ندادن به مشارکت گروهی و مشارکت حین تدریس دانش آموزان.
- نگرش منفی به اهمیت و ارزش تعلیمات اجتماعی در آینده شغلی و تحصیلی دانش آموزان.
- نگرش منفی و کم ارزشی تعلیمات اجتماعی از دیدگاه دانش آموزان و اولیا.
- نبودن همایش و کارگاه های توجیهی کافی در جهت ارتقای کیفی تدریس از دیدگاه همکاران.
- بی توجهی همکاران به چگونگی تدریس در تعلیمات اجتماعی.
- کمی بودن ارزشیابی و کافی نبودن آن در ارزشیابی درس تعلیمات اجتماعی.
- عدم آشنایی کافی مدیران و مسئولان با درس تعلیمات اجتماعی.

با مراجعه به منابع علمی که: آیا پیشینه موجود را تأیید می کند یا نه؟ به منابع موجود در روش های تدریس مراجعه کردم و به طور خلاصه مزایای تدریس به شکل مشارکتی و بحث گروهی بدین شرح است:

- شریک شدن افراد در عقاید و تجربیات همدیگر.
- تقویت همکاری گروهی و احساس دوستی در بین اعضا.
- فراهم شدن فرصت برای افراد جهت ارزیابی خودشان.
- تقویت اعتماد به نفس در افراد و ایجاد روحیه نقادی.
- کاهش استرس افراد کمرو و خجالتی در جمع

بعد شاخص های کلاس درس فعال را مرور کردم.

هر کلاس درس باید موارد ذیل را منعکس سازد:

- احترام به افراد همان گونه که هستند و می توانند باشند.
- احترام به تنوع فرهنگ ها و نگرش ها ضمن والایش و پالایش آنها.
- حس تعلق به جامعه کلاسی و ایجاد فضای صمیمیت و همدلی.
- توجه، ملاحظه و دلسوزی عاطفی به یکدیگر.

• مهارت های همکاری مؤثر در فرآیند مشارکت خودانگیزه.

• مشارکت دانش آموز بر اساس عقلانیت نقادانه در امور درسی.

• رعایت حقوق، مسئولیت ها و مقررات بر اساس انضباط درونی.

• ارزیابی مداوم و تعالی جو در کلاس درس.

• اعتماد و احترام به دانش آموزان برای ایجاد خود ارزیابی و خودبسندهی.

• برانگیختن لذت یادگیری و شور و شوق به پیشرفت در کلاس درس.

• ترویج یادگیری مؤثر و مشارکتی برای همه.

• برانگیختن پیشرفت فردی - هم زمان با در نظر گرفتن منافع دیگران.

• ایجاد و گسترش فرهنگ گفت و گو و روشننگری و تفکر نقاد.

• فرصت دادن به دانش آموزان تا برای یادگیری خود مسئولیتی را به عهده گیرند.

• یادگیری مشارکتی، بین فردی، تعاملی و فعالیت مدار.

• اهمیت دادن به سؤالات، انتقاد ها و نظرات دانش آموزان.

• تقویت و پرورش تفکر واگرا، راه حل های میان بر و اظهارات نامأنوس و غیر عادی در دانش آموزان برای توسعه تفکر خلاق (کریمی، ۱۳۸۲).

ابتدا کلاس را از شکل سنتی خارج کردم و گروه ها به شکل U نشستند، و در جلسات بعد به شکل دایره، لوزی و مثلث و... تا به این وسیله تنوعی در فضا و شکل فیزیکی کلاس به وجود آید

روش های پیشنهادی (راه حل های موقت):

با توجه به شواهد و داده های به دست آمده و نیز مطالعه روش های تدریس و منابع اطلاعاتی در این زمینه این فرض اساسی در ذهنم شکل گرفت: «استفاده از روش های فعال و نوین تدریس باعث علاقمندی بیشتر دانش آموزان می شود».

و در این زمینه به نظر می رسید که خرده مؤلفه ها نیز جهت تحقق بخشیدن به این فرض اساسی بیان گردد که:

• استفاده از روش آموزش و پرورش گروهی (Team Learning) که شیوه ای فعال در آموزش می باشد موجب علاقمندی دانش آموزان می شود.

• استفاده از روش های نوین از جمله بارش

مغزی (سیلان فکر) اعتماد به نفس و مشارکت آنها را بیشتر خواهد کرد.

• استفاده از روش های نوین احساس مسئولیت را بیشتر می کند.

• ارزشیابی تکوینی در آخر تدریس باعث انگیزه بیشتر دانش آموزان به فراگیری مطالب و مشارکت بیشتر فرآیند تدریس خواهد شد.

• یک برنامه اجرایی برای خود در نظر گرفتن که برای اجرای آن از روش شش پرسش استفاده کردم (بر اساس الگوی استرینگر ۱۳۷۸: ۱۱۱).

۱- چه چیزی: چه چیزی را باید اصلاح کنم و چه عملی را باید دستکاری کنم تا مشکل حل شود؟ روش تدریس ام را باید اصلاح کنم و دانش آموزان را بیشتر به یادگیری این درس به شیوه مشارکتی و گروهی علاقمندی می سازم.

۲- چگونه: با استفاده از روش تدریس گروهی Team Learning که شیوه ای فعال در آموزش می باشد و شامل مراحل تدریس، آموزش و آموختن است. دانش آموزان را در گروه های پنج نفری، گروه بندی کردم و بعد خواستم که خودشان تقسیم کار کنند، دیدم که این شکل گروه بندی را نپذیرفتند و بعد متوجه شدم که باید از تکنیک گروه سنجی (انتخاب متقابل) استفاده کنم تا خودشان افراد مورد علاقه خود را انتخاب کنند از آنها خواستم که افرادی که می خواهند به عنوان هم گروه خود انتخاب کنند چهار نفر انتخاب کنند و بعد از جمع آوری و ارتباط متقابل و انتخاب های متقابل و به دست آوردن همبستگی گروهی حاکم در بین آنها، خوشبختانه دیدم که همبستگی گروهی آنها متوسط به بالا می باشد و درک متقابل آنها تقریباً در گروه پنج نفری کلاس خودشان متعادل است (یعنی در هر گروه تقریباً پنج نفر همدیگر را به طور متقابل درک می کنند و می پذیرند) و بعد از خودشان خواستم که سرگروه انتخاب کنند و تقسیم کار کنند و با تشویق بیشتر اعضای گروه به همکاری، عنصر هیجان و رقابت را در بین آنها سعی کردم به وجود آورم. سرفصلی از کتاب درسی به کل کلاس ارائه دادم و خواستم که مطالب کتاب را بخوانند و در مورد مطالب و سرفصل علاوه بر محتوای کتاب از مطالب روزنامه ها، تلویزیون، مجلات و کتاب ها و حتی کمک گرفتن از والدین برای جلسه بعد پروژه ای تهیه کنند. هر کدام از گروه ها بایستی مطالب تهیه شده را توسط یکی از اعضای گروه قرائت کنند و برای هر گروه نمره ای تعلق می گیرد که مطابق با هماهنگی افراد گروه درباره داده ها، دسته بندی آنها، انطباق یافته ها با آنچه در کتاب وجود دارد و نیز انتخاب اطلاعات مربوط به سرفصل ها که به وسیله همه افراد باید گزارش نوشته شود و... کارم را شروع کردم.

۳- چه کسی: معلم به عنوان هماهنگ کننده

این هستند که در فرآیند یادگیری - یاددهی مشارکت کنند. مشارکت افراد ضعیف و قوی در یک گروه باعث شده است که روحیه مشارکت و توان دانش آموزان برای بحث و اظهار نظر بیشتر شود. ضمناً از مدیریت مدرسه خواستیم که نظر دانش آموزان را جویا شود. دیدیم رضایت بیشتری از نحوه تدریس، برخورد، نمره دهی را به دست آورده ام. تا حدی خوشحال شدم و انگیزه بیشتری یافتیم. تصادفاً با چند نفر از اولیای دانش آموزان در مدرسه ملاقات کردم، نظرشان را پرسیدم. از آن‌ها میزان فعالیت دانش آموزان را بعد از مدرسه جویا شدم، گفتند که این روش خیلی خوب است. آن‌ها عقیده داشتند که با این روش بچه‌ها دائماً به دنبال گردآوری مطالب بیشتری هستند که در کلاس درس بحث کنند. تا حدی از وضعیت پس از اقدام راضی شدم و به نظرم رسید که به روش معتبری رسیدیم. چرا که اکثر شواهد موجود از اقدام رضایت بخش بود. اکثر شواهد موجود پس از اقدام نشانگر تغییر در جهت بهبودی روش تدریس و علاقمند دانش آموزان به این درس شده بود. نتایج حاصل از این اقدام را با همکاران هم پایه ای خودم مورد بررسی قرار دادم و آنها نیز ضمن تأیید نحوه تدریس، ارزشیابی و تأکید بر کارهای گروهی را در درس اجتماعی اثر بخش دانستند (اعتبار بخشی از طرف همکاران). نظرات مدیر و معاون را در مورد شیوه تدریس و ارزیابی جویا شدم. از مشاور مدرسه نیز خواستیم با دانش آموزان صحبت کند و مزایا و معایب این روش را گوشزد کند. اتفاقاً، بیشتر آن‌ها نظرشان مثبت بود. فقط در زمینه مسایل انضباطی برخی گلابه مند بودند که تصمیم گرفتم با تعدیل در بعضی از قسمت های ارزشیابی و نظارت بر انضباط دانش آموزان اقدام به اجرای طرح جدید بکنم.

اجرای طرح جدید و نظارت بر آن:

ضمن انتقاد از وضعیت ابداعی، توسط دانش آموزان و اولیای دانش آموزان و برخی

د- هیچ راه حل یا نظر را مورد ارزیابی قرار نمی دادم تا همه اندیشه‌ها و نظرها بیان شود.
ه- توسعه و گسترش فکر و اندیشه دیگران مورد تشویق قرار می گرفت تا به خلاقیت و نوآوری های بیشتری منجر شود.
ر- بعد از ارایه مهارت های فردی در مورد موضوع درس یک جمع بندی با کمک دانش آموزان صورت می گرفت.

پیشرفت کار تقریباً رضایت بخش بود. در پایان هر جلسه از دانش آموزان نظر می خواستیم که تا چه حدی از وضعیت راضی هستند؟ (نظرات حین اجرا). مقبولیت کار با تکرار جلسات بیشتر می شد. پس از اجرای این مراحل که به طور مختصر درج گردید. جهت تفسیر و ارزیابی داده‌ها دوباره به سراغ همکاران رفتم تا ضمن حذف موارد ضد و نقیض داده‌ها و تأیید داده‌هایی که منطقی به نظر می رسند، روند اجرا را ادامه دهم.

ارزیابی نتایج اقدام اولیه و تجدید نظر در اقدامات:

ابتدا از دانش آموزان به طور شفاهی خواستیم که در جلساتی که با مشارکت خودشان این درس ادامه می یابد، نظراتشان را مطرح کنند. تقریباً ۷۰ درصد دانش آموزان جواب مثبت دادند و گفتند که در این صورت ما درباره درس بیشتر بحث می کنیم، در کلاس یاد می گیریم و نیاز به حفظ کردن آن نداریم و ولی باز هم حدود ۳۰ درصد آنها نظرشان منفی بود. آن‌ها اظهار داشتند که وقت زیاد تلف می شود و شما فقط جواب سوالات را بگویید. بعد از آن نظر همکاران را پرسیدیم که بدین شیوه تدریس و ارزشیابی و کلاس داری را تا چه حدی منطقی و اصولی می دانند. آنها نیز ضمن تأیید روش تدریس گروهی و مشارکتی گفتند که کیفیت آموزشی و همکاری دانش آموزان این کلاس و میزان علاقمند آنها نسبت به درس عوض شده است و بیشتر علاقمند

و راهنمایی سرفصل‌ها و حل تعارضات گروهی و شرکت در گروه‌ها و دانش آموزان. به عنوان کسانی که می خواستیم رفتارشان را تغییر دهم.
۴- کجا: کلاس درس تعلیمات اجتماعی
۵- چه وقت: موقع تدریس و ارزیابی آن طبق برنامه‌ای که مدرسه در اختیارمان گذاشته است.
۶- چرا: چون دانش آموزان به این درس علاقه نشان نمی دادند.

اجرای روش پیشنهادی و اقدامات:

کلاس را ابتدا از شکل سنتی خارج کردم و به شکل U گروه‌ها نشستند و جلسه بعد به شکل دایره و جلسه بعد به شکل لوزی و جلسه بعد به شکل مثلث، تا تنوعی در شکل فیزیکی کلاس به وجود آید. خودم نیز هر جلسه در یک قسمتی از کلاس می نشستیم، این تغییر شکل در فضای آموزشی کلاس برای دانش آموزان جالب شده بود. ابتدا در روش مشارکت گروهی دانش آموزان به صورت گروهی با هم مشارکت می کردند و پس از بحث گروهی از هر گروه یک نفر به صورت داوطلب نتیجه جمع آوری شده در گروه را برای کلاس بحث می کرد و گاه گاهی، سؤالاتی از آنها پرسیده می شد. همه اعضای گروه سعی می کردند از سرگروه یا نماینده گروه خود دفاع کنند و در حین تدریس که به صورت تیمی انجام می شد، نمراتی با توجه به میزان مشارکت در بحث گروهی، نظم، هماهنگی و جمع بندی پروژه به عنوان نمره مستمر درج می گردید (با تأکید بر ارزشیابی کیفی).

اینجا دیگر فقط جنبه های عینی که در کتاب بحث شده در نظر گرفته نمی شد، بلکه جنبه های ذهنی و مهم تعلیم و تربیت و نیز مسایل تحلیلی و ذهنی که به صورت کمی اندازه گیری نمی شوند، به آنها نمره داده می شود. توجه به کلیت و ساختار متن درس و ارتباط آن با مسایل و مطالب درسی با انعطاف در پاسخ‌ها در نظر گرفته می شد. در حین اجرا جهت اصلاح برخی موارد و مشکلات از دانش آموزان کمک می گرفتیم و این امر بیشتر و بیشتر آنان را به درس علاقمند می کرد.

در جلسات بعدی روش تدریس را عوض کردم تا کلاس خسته کننده نباشد از روش بارش مغزی استفاده کردم که قواعد آن بدین شرح است:
الف- ابتدا مسئله ای را مطرح می کردم (باتوجه به عنوان درس یا سرفصل‌ها).

ب- همه اعضای گروه را تشویق می کردم، تا هر راه حل یا اندیشه ای را که به ذهنشان می رسد، صرف نظر از اینکه تا چه حدی درست یا نادرست است مطرح کنند (ابتدا این کار خیلی کم صورت می گرفت اما بعد دانش آموزان کم کم عادت کردند که بیشتر اظهار نظر کنند).

ج- همه واکنش‌ها را بدون کم و کاست در تخته سیاه ثبت می کردم.



همکاران، با مدیر و معاون و معاون پرورشی جلسه ای تشکیل دادیم و در مورد پیشرفت کار بحث کردیم. تا حدودی دانش آموزان، اولیا، برخی همکاران، مدیر، معاون و معاون پرورشی تأیید کردند که ادامه این روش ها باعث علاقمند دانش آموزان و ارتباط مؤثر اولیای آنها و یادگیری اصولی درس توسط آنها با کمک اولیای آنها می گردد. به ارزشیابی از مطالب تدریس شده پرداختم، دیدم که نمرات آنها نسبت به جلسه اول خیلی پیشرفت داشته اند و این امر نشانگر اعتبار تحقیق در این زمینه بود که با توجه به معتبر بودن روش به ادامه آن با کمک مدیر و معاون و دیگر همکارانم پرداختم. دوباره جلسه ای را تشکیل داده و به آموزش و ارایه مطالب بعدی اقدام کردم که عبارت بودند از:

برای موفقیت در مطالعه، باید درست آغاز کنید؛ یعنی برنامه درسی خود را طوری تنظیم کنید که از خواندن کتاب ها، هدفی واضح و روشن را دنبال کنید. درس های خود را طوری برنامه ریزی کنید که هنگام مطالعه، ابتدا کتاب های آسان را بخوانید، نه کتاب های مشکل را.

در هنگام مطالعه یک کتاب، ابتدا از قسمت های آسان و جذاب آن شروع کنید و بعد به سراغ بخش های مشکل تر آن بروید. این کار را می توانید با مرور قسمت های خوانده شده قبلی آغاز کنید. قسمت های آسان و جذاب علاقه شما را به خواندن افزایش می دهند. ضمن انتقاد از وضعیت انضباطی در کلاس درس و هماهنگ کردن دانش آموزان به روش بحث گروهی، سعی کردم که از روش بارش مغزی نیز استفاده کنم تا انگیزه آنان روز به روز بیشتر شود. حتی در بعضی از جلسات از روش استقرایی و ترکیبی از روش های پرسش و پاسخ استفاده می کردم. در آخر آذرماه یک ارزشیابی جهت برآورد این که روش جدید تا چه حدودی مناسب بوده است انجام دادم میانگین نمره کلاسی دانش آموزان به حالت متوسط رسیده بود که این هم برای من و هم برای دانش آموزان خوشحال کننده بود. برای حل مسایل انضباطی در نمره فعالیت های گروهی برای نظم و انضباط گروهی و تک تک افراد نمره ای را در نظر گرفتم و بدین ترتیب مشکل انضباطی کلاس نیز بر طرف گردید (شخصیت دادن به دانش آموزان، تشویق به موقع، اهمیت دادن به کارهای گروهی زمان زیادی را می طلبد. بایستی با صبر و حوصله کار را دنبال کنیم تا هماهنگی کامل صورت گیرد و این به مرور زمان تحقق یافت).

گرد آوری اطلاعات (شواهد ۲):

چند تن از همکاران را از نتیجه و روند پیشرفت کار مطلع کردم. تقریباً همه آنها نتایج پیشرفت را تأیید کردند و از مدیریت مدرسه خواستیم دوباره نظر اولیا و دانش آموزان را جویا شویم، که کاملاً از روند پیشرفت کار رضایت کافی داشتند. به گفته همکاران، مدیریت مدرسه و نیز اظهار نظر بعضی از اولیا، روش مشارکتی در تدریس، موجب اعتماد به نفس بیشتر آنها و رشد مهارت های اجتماعی و ارتباطی آنها شده

و روحیه جستجوگری و تحقیق و تفحص در آنها بیشتر گردیده است و نیز مهارت های کلامی آنها تقویت شده و تشویق و ترغیب فردی و گروهی آنها، انگیزه درونی آنها را بیشتر کرده است. رقابت بین گروه ها هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی بیشتر شده است.

در پایان هر جلسه سعی کردم نظر دانش آموزان را جویا شوم تا فرآیند پیشرفت کار را ارزیابی کنم و هم به مشارکت آنها اهمیت داده باشم. دیدم که اکثریت دانش آموزان از روند پیشرفت کار خرسند بوده و این روش کار را مفید و مؤثر دانسته و اظهار رضایت از پیشرفت کار دارند و ادامه تدریس و ارزشیابی به این روش را مورد تأیید قرار می دهند.

ارزشیابی کلیشه ای،

جزیی، کمی نگر و منقطع، جای

خود را به ارزشیابی کیفی همراه

با انعطاف پذیری، توجه به کلیت و

ساختار متن درس، شکل گروهی

دادن به ارزشیابی و فرآیندی کردن

آن می دهد که این امر باعث تقویت

تفکر، فرضیه سازی و چند وجهی

کردن ارزشیابی خواهد شد و فقط به

امتحان کتبی خلاصه نمی شود، بلکه به

میزان بحث گروهی و فردی، مشارکت

در کارهای گروهی و انجام پروژه و

جمع آوری اطلاعات و ارایه گزارش نیز

شامل می شود

ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن:

در مقایسه با اول سال تحصیلی، مشکل ارتباط با دانش آموزان برطرف گردید و دانش آموزان در تمام مراحل یادگیری - یاددهی مشارکت فعال داشتند و میانگین نمرات دانش آموزان به ۴۵ درصد رشد خود رسیده بود. مشاهده نمرات پس از اقدام نشان از پیشرفت کار و مفید بودن این روش می باشد (اعتبار بخشی از طریق نمرات که جدول نمرات و نمودارها و خود ریز نمرات به پیوست می باشند).

تأیید نتایج تحقیقات انجام یافته در این زمینه و مشاهده رفتار آنها پس از اقدام که کاملاً متفاوت با اول سال تحصیلی بود، حاکی از اعتبار این روش می باشد. حس جستجوگری و مشارکت در انجام فعالیت های فردی و گروهی بیشتر شده بود و رضایت دانش آموزان از نحوه ارزشیابی نیز تا حدی بهبود یافته بود. آن عده از همکارانی که از عدم مشارکت و بی تفاوتی برخی از دانش آموزان گلایه داشتند، تا حدودی وضعیت بهبود یافته بود (اعتبار بخشی از طرف همکاران). والدین از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و تغییر نگرش آنها نسبت به درس تعلیمات اجتماعی و

نمره گذاری و انجام تحقیق رضایت کامل را به دست آورده اند (اعتبار بخشی از طرف والدین دانش آموزان). احساس مسئولیت، انتقاد پذیری، از طریق انتقاد جوی، نیز زمینه های کاربردی علوم اجتماعی، مهارت های اجتماعی، خود کنترلی و خود ارزشیابی در دانش آموزان تقویت شده بود. به مسایل انضباطی کلاس درس نیز کمک کرده است. طبق نظرسنجی که پس از اقدام توسط بنده، مدیر، معاون و مشاور مدرسه به دست آمد، اکثریت دانش آموزان این روش آموزش و ارزیابی را مورد تأیید قرار داده اند. متوجه شدم که نتایج به دست آمده قابل اطمینان بوده و می توان آن را در آموزش تعلیمات اجتماعی و دیگر دوسر مشابه به کار بست.

نتیجه گیری و ارایه پیشنهادات:

با توجه به نتایج به دست آمده و اطلاعاتی که در زمینه اجرای شیوه نوین تدریس به شکل گروهی و روش بارش مغزی و روش استقرایی صورت گرفته نتایج زیر حاصل شده است:

• میزان علاقمندی دانش آموزان به درس تعلیمات اجتماعی بیشتر شده است.

• میانگین نمره درس آنها تا حدودی رضایت بخش رشد داشته است.

• تدریس به صورت کاملاً مشارکتی و دوسویه انجام می گیرد. در این مورد دانش آموزان بیشتر فعال هستند.

• مهارت های اجتماعی و روابط اجتماعی بین آنها بهبود یافته است (تعامل بین دانش آموزان با همدیگر و معلم).

• به استعدادها و علایق دانش آموزان بیشتر توجه می شود.

• دانش آموز و معلم هر دو مسئول یادگیری هستند (بحث و مشارکت گروهی به صورت تعاملی شکل می گیرد)

• مهارت های کلامی، اعتماد به نفس، حس مسئولیت پذیری، روحیه جستجوگری، تحقیق و تفحص، خود ارزشیابی بودن، خود کنترلی، حس تعاون و مشارکت در دانش آموزان تقویت می گردد.

• دانش آموزان آموخته های کلاس را به صورت عملی با رویدادهای خارج از مدرسه مرتبط می سازند.

• مشارکت گروهی تعاملات گروهی، پویایی گروه، رهبری و هدایت گروه در دانش آموزان شکل می گیرد.

• فاصله بین معلم و دانش آموز کمتر می شود و احساس همبستگی گروهی بیشتر می شود.

• ارزشیابی کلیشه ای، جزیی، کمی نگر و منقطع، جای خود را به ارزشیابی کیفی همراه با انعطاف پذیری و توجه به کلیت و ساختار متن درس و شکل گروهی دادن به ارزشیابی فرآیندی کردن آن می دهد که این امر باعث تقویت تفکر، فرضیه سازی و چند وجهی کردن ارزشیابی خواهد شد و فقط به امتحان کتبی خلاصه نمی شود، بلکه به میزان بحث گروهی و فردی، مشارکت در کارهای گروهی و انجام پروژه



پروفسور د مینگ در مورد
سر نوشت مدیران سازمان هایی
که اعتقادی به تغییر و دگرگونی
ندارند می گوید:
شما مجبور به تغییر در روش ها
نیستید، چون موفقیت اجباری
نیست، و می توانید به همین
تر تیب ادامه دهید تا شکست
بخورید.

با همکاران در میان بگذاریم تا وضعیت درسی و
کلاس مان بیشتر بهبود یابد.

منابع و مأخذ:

- آریسان پور، امیرحسینی (۱۳۵۸). پژوهش، تهران: امیرکبیر.
- استرنیگر، ارنست تی (۱۳۷۸). تحقیق عملی، راهنمای مجریان تغییر و تحول، ترجمه: سید محمد غزالی و داود ایزدی، تهران: دفتر نشر پژوهش های فرهنگی.
- بازرگان، عباس (۱۳۷۲). اقدام پژوهی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴ و ۳، پاییز و زمستان.
- باقری، خسرو، یزدانی، عبدالوهاب (۱۳۸۱). الگویی برای پژوهش در ارزشیابی تحصیلی براساس دیدگاه هرمنوتیک، فصل نامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱، سال اول، مؤسسه پژوهش برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی.
- رضایی، منیره (۱۳۸۲). اقدام پژوهی، فرآیند مستمر پژوهش حین عمل، پژوهشکده تعلیم و تربیت، پژوهش نامه آموزشی، و شیوه نامه شماره ۱۳.
- شعبانی، حسن (۱۳۷۴). مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت.
- صفوی، امان اله (۱۳۸۳). کلیات روش ها و فنون تدریس، چاپ نهم، تهران: انتشارات معاصر.
- فایز، آدل (۱۳۸۴). به بچه ها گفتن از بچه ها شنیدن (جلد ۱ و ۲)، ترجمه: نفسیه معتكف، چاپ ششم.
- فضلی خانی، منوچهر (۱۳۸۰). روش های فعال تدریس در برنامه های پرورشی، تهران: چاپ چهارم، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۱). راهنمایی عملی پژوهش در عمل، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). سازه های تربیت و دموکراسی، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کیوانفر، محمدرضا (۱۳۸۰). بررسی میزان تأثیر استفاده از روش های فعال تدریس در میزان موفقیت دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی در درس علوم تجربی آموزش و پرورش اصفهان.
- مک نیف و دیگران (۱۳۸۲). اقدام پژوهی، طراحی، اجرا، ارزشیابی، ترجمه: محمد رضا انجمنیان، تهران: انتشارات رشد.

پیشنهاد برای مسئولان آموزشی:

- ۱- دست اندر کاران محترم، متناسب با فرآیند تغییر و امکانات آموزشی به روز، کلاس های توجیهی برای استفاده از روش های نوین آموزشی و پژوهشی را برگزار نمایند.
- ۲- دوره های ضمن خدمت بیشتر به صورت کارگاهی و عملی برگزار گردد و نه فقط تئوریک.
- ۳- نشریات و فصلنامه های مرتبط با فناوری آموزشی و پژوهشی را در اختیار عموم همکاران قرار دهند.
- ۴- جهت ایجاد انگیزه مطالعه، مسابقه و آزمون ها از روش های نوین بین همکاران برگزار نمایند.
- ۵- جشنواره های الگویی برتر تدریس را به صورت واقعی در سطحی وسیع انجام دهند.

پیشنهاد برای همکاران پایه چهارم

ابتدایی و دیگر همکاران:

- ۱- پیشنهاد می شود که از روش های نوین تدریس استفاده کنند. چرا که با استفاده از روش های نوین نه معلم خسته می شود و نه دانش آموز چون تعامل دوسویه است.
- ۲- به مشارکت گروهی و فردی در حین تدریس، اهمیت بیشتری داده شود و حتی در نمره گذاری به مشارکت آنها نمره بدهیم.
- ۳- به کارهای گروهی و فردی دانش آموزان اهمیت ارزش دهیم تا انگیزه آنان بیشتر شود.
- ۴- به جای تأکید صرف به ارزشیابی کمی (امتحان کتبی) به ارزشیابی کیفی (پروژه های تحقیقی، مقالات، روزنامه دیواری، جمع آوری عکس، تهیه کلکسیون ها و مشارکت در تدریس گروهی) نیز توجه داشته باشیم.
- ۵- نشریات- مجلات و فصل نامه های مرتبط با فناوری آموزشی و پژوهشی بیشتر از همه توصیه می کنم، چرا که حاصل تجربیات علمی پژوهشی چندین ساله معلمان عزیز می باشد.
- ۱- مشکل درس یا کلاس مان را با هم رشته ای

و جمع آوری اطلاعات و ارایه گزارش نیز شامل می شود.

محدودیت ها و مشکلات اقدام جدید:

- از جمله محدودیت های این طرح مانند اکثریت طرح ها:
۱. محدود بودن امکانات و فناوری آموزشی (ویدئو پروژکتور، استفاده از اسلاید، فیلم و برنامه های آموزشی رایانه ای و استفاده از سایت های اینترنتی در این زمینه جهت به روز بودن مسایل آموزشی و اجتماعی دانش آموزان).
 ۲. عادت کردن دانش آموزان و اولیای آنها به روش های سنتی و مقاومت در برابر تغییر.
 ۳. وجود مسایل و مشکلات انضباطی.
 ۴. مقاومت در انجام کارهای گروهی، عملی و انجام پروژه.

با استفاده از روش تدریس گروهی

«Team Learning» که شیوه ای فعال در آموزش می باشد و شامل مراحل تدریس، آموزش و آموختن است، دانش آموزان را در گروه های پنج نفری گروه بندی کردم و خواستم که خودشان تقسیم کار کنند

۵. آشنایی کمتر کادر مدرسه با شیوه های نوین تدریس و ارزشیابی و بی تفاوتی به استفاده از این روش ها.

پیشنهادات:

با توجه به اطلاعات و شواهد موجود علمی و پژوهشی این اقدام، می توان موارد زیر را جهت استفاده همکاران محترم و مسئولان آموزشی پیشنهاد کرد: